

نویسنده: ویلیام انگدال

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «دوم فیبروری سال 2013».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

---

## چین «محور اصلی» در جغرافیایی سیاسی

### بارک «اوباما»: هدف پنتاگون از چین

#### Obama's Geopolitical China „Pivot“: The Pentagon targets China

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان به اسم جنگ سرد، بیست سال قبل، ایالات متحده آمریکا به جای کاهش و تقلیل هزینه های دفاعی اش، نه تنها کنگرس آمریکا بلکه همه روسای جمهور ایالات متحده آمریکا با صرف هزینه های چشمگیر بمنظور بهبود سیستم های سلاح های جدید دائمی نظامی و همچنان به گسترش پایگاه های نظامی شان در سراسر جهان و نیز به توسعه و گسترش پکت ناتو (NATO) در کشورهای سابق پکت وارسا و در حاشیه و اطراف روسیه دست بکار شدند و بیدون ضیاع وقت همچنان به حضور نظامی ناتو و نظامیان خود به عمق آسیا و به محیط و اکناف چین داخل اقدام شدند که آغاز جنگ در افغانستان را میتوان یکی از همین اقدامات آن کشور تلقی کرد.

**قسمت اول:** حسب معمول و یا بر اساس دلار پول مروج آمریکا، وجوه مالی

و یا تخصیص بودجوی برای مصارف نظامی پنتاگون و ایالات متحده آمریکا به شکل مشترک و جمعی بیدون در نظر داشت و جوجه عظیمی برای تامین امنیت ملی و نهادهای مربوطه دفاعی دولت ایالات متحده آمریکا همچو وزارت انرژی و وزارت خزانه داری و دیگر آژانس ها و نهاد های ضمیموی دفاعی تا دیه مبلغ جمعاً (739) بیلیون دلار برای سال (2011) اختصاص داده شد بود، و این مبلغ مجزا از تمام هزینه های دیگری بوده است. موسسه بین المللی مستقل و مستقر در لندن برای مطالعات ستراتیژیک برآورد هزینه های سالانه ای نظامی دفاعی ایالات متحده آمریکا را بیش از یک تریلیون دلار تخمین زده است، مبلغی که بیشتر از کل هزینه های مربوط به دفاع از (42) کشور میباشد یا به عباره دیگر این مبلغ بیشتر از آن مبلغ می باشد که اگر بودجه دفاعی (42) کشور را با هم جمع نمایم و یا این مبلغ بیشتر از

تولید ناخالص داخلی اغلب کشورها میباشد .

بودجه رسمی دفاعی چین (10%) بودجه دفاعی ایالات متحده امریکا را تشکیل میدهد، یعنی مبلغ (90) بلیون دلار، که با وجوه تخصیصه ای نهاد های دیگر ضمیمه و تورید سلاحهای مورد نیاز برای دفاع در طول یک سال جمعاً مبلغ (111) بلیون دلار بودجه دفاعی کشور چین میباشد با وجود آنکه مقامات ذیصلاح دولت چین ارقام مکمل را در موارد بویژه ای بدست نشر نه سپرده اند ، پس در زمینه میتوان گفت که چین به تناسب بودجه دفاعی سالانه ای ایالات متحده امریکایک مبلغ ناچیزی را برای مسایل دفاعی اش تخصیص میدهد و طبعاً که از نظر پیشرفت های تکنالوژیکی سلاح ومهمات جنگی نسبت به ایالات متحده امریکا در عقب قرار دارد .

چین امروز بتاسی از رشد اقتصاد پویا ودینامیک اش همواره در صدد تامین حاکمیت منافع ملی اش قدم های استوار بر میدارد وبه همین دلیل اکنون پنتاگون ذهناً چین را به صفت یک «دشمن» جدید تصویر مینماید ومیخواهد که این دشمن نوظهور را با دشمن قبلی اش که به تصور پنتاگون اسلام بود تعویض نماید بویژه که اداره بوش چینی بعد از رخداد یازدهم سپتمبر (2001) تصمیم اتخاذ نمودند تا اگر بتوانند بعد از جنگ سرد که با اتحاد شوروی داشتند پیگیری پنتاگون را در سطح بین المللی به حیث یک قدرت اصلی وکلی توجیهه نمایند ، برخورد جدید نظامی ایالات متحده امریکا در برابر چین با وجودیکه هیچ تصویری مبنی بر تهاجم چین علیه امریکا در ذهن خطور نمیکندولی پنتاگون را تصور دیگری در سر است وآن اینکه تصمیم گرفته تا به وضعیت تهاجمی نظامی اش آماده گی های لازم را روی دست گیرد وآن بدین تصور که کشور چین عنقریب دارد که از نظر اقتصادی وجغرافیایی سیاسی در سطح جهان به یک قطب مستقل نیرومند مبدل گردد .

**دکتورین اوبا ما: چین در تصور «دشمن» جدید :** ایالات متحده امریکا نظر به گفته ای خودش پس از تقریباً دودهه غفلت از منافع اش در شرق آسیا سرانجام اداره اوباما در سال (2011) اعلام نمود که آن اداره ویا دولت میخواهد درسیاست خارجی خود یک (چرخش محوری ستراتیژیکی) را بمنظور جلب توجه سیاسی ونظامی خود در آسیا و اوقیانوس آرام بویژه در جنوب آسیا جایکه در آنجا چین موقیعت دارد بوجود آورد. اصطلاح (محور ستراتیژیکی) در یکی از صفحات کتاب های کلاسیک پدر جغرافیایی سیاسی بریتانیا سر هالفورد مکندار (Sir Halford Makinder) چنین توضیح گردیده است : اوبارها خاطر نشان ساخته که شوروی وبعداً چین دو قدرت (محوری ستراتیژیکی) اند که از نظر موقیعت جغرافیایی واز نظر جغرافیایی سیاسی همچو دژ نیرومند در تقابل انگلو ساکسون وبعده از سال (1945) مخالف سرسخت هژمونی ایالات متحده امریکا در منطقه میباشدند .

دولت اوباما در ماه اخیر سال (2011) صریحاً دکتورین عمومی تهدید جدید نظامی اش را در پی شکست اردوی امریکا در عراق و افغانستان تعریف نمود اودرمدت زمان سفرش به شرق دور در استرلیا از روی دکتورین جدید نظامی اش پرده برداشت . "1"



**اوباما بعداً در استرلیا گفت :** بادر نظر داشت توان و قدرت هستوی بیشتر در جهان و برخی از نیمی بشریت مسکون در آسیا را میتوان در قونی که در پیشرو داریم چنین تعریف ویا ارزیابی کرد که ایا در اینجا به اختلافات دامن زده خواهد شد ویا اینکه در اینجا همکاریهای متقابل جوانه خواهد زد ، من بصفت یک ریس جمهور میخواهم تصمیم گیرم که در این بخش از جهان یعنی برای کشورهای اوقیانوس آرام آنچنان ستراتیژی را طرح و تدوین نمایم که اداره من یعنی دولت ایالات متحده امریکا بتواند طور هرچه گسترده تر و برای مدت طولانی این منطقه را در آینده هاشکل و شمایل بهتر بدهد روی این منظور ما پلان داریم که برای حضور قوی نظامی خود درین منطقه یک بودجه قابل ملاحظه را تخصیص بدهیم ویک پروژه مختص بفرود در اینجا که از هرگونه تهدید مبرا باشد ایجاد نمایم و در راه تامین صلح مبادرت نمایم و بغيرض حفظ و تامین منافع ثابت خود در منطقه خواهان حضور دایم و ثابت خود باشیم .

ایالات متحده امریکا بداشتن یک قدرت ثابت و مستقر در آسیا و اوقیانوس آرام میخواهد در اینجا حضور داشته باشد چنانچه همین اکنون ایالات متحده امریکا در پی نوسازی دفاعی آسیا و اوقیانوس آرام میباشد. ما میخواهم بشکل هرچه گسترده تر و نیرومند تر حضور دایمی در جاپان و شبهه جزیره کوریا و همچنان با حضور نیروهای بیشتر در جنوب شرق آسیا باشیم . من باور دارم که در اثر مساعی مشترک بمقابل چلنج های پیش آمده ما میتوانیم مقابله همه جانبه بنمایم و در تامین و نگهداری امنیت بخصوص در جنوب دریای چین دست اوردهای قابل ملاحظه را نصیب شویم . "2"

محور اصلی سفر اوباما را به استرلیا اعلام جابجا سازی (2500) نخبگان تفنگداران دریای امریکا در سرزمین استرلیا واقع در شمال منطقه داروین و در عین زمان موازی به آن به ارتباط گز مه و پرواز های هواپیماهای بیدون سر نشین در جزایر کوکوس در قلمرو

استرالیا و نظارت بر اوقیانوس هند از فاصله های دور اجندای بحث و مذاکره طرفین تعهد نامی را تشکیل میداد. همچنان جانبین به این توافق رسیدند که نیروی هوایی ایالات متحده امریکا میتواند از میدانهای هوایی استرالیا برای پرواز های خود استفاده همه جانبه بنماید و کشتی های بزرگ ایالات متحده امریکا بیرون کدام قید و شرط در اوقیانوس هند گشت زنی نماید و از پایگاه نیروی دریایی آن کشور در خارج از پرت (شهر واقع در جنوب شرق استرالیا) به سواحل غرب کشور در رفت و آمد باشد و از آن مستفید گردد.

**هدف پنتاگون از چین:** فلیپ هاموند (Phillip Hammond) وزیر دفاع بریتانیا

طی سخنانش در ماه جولای سال (2012) درواشنگتن به همه اعضای کشورهای اروپایی پیمان ناتو به صراحت لهجه اعلام نمود و گفت: اعضای محترم ناتو تغییر جدید سیاست دفاعی ایالات متحده امریکا در منطقه آسیا و اوقیانوس آرام مستقیماً به نشانه گیری چین سروصورت گرفته است، فلیپ هاموند در این مورد چنین افزود: «افزایش اهمیت ستراتیژیک منطقه آسیا و اوقیانوس آرام نیاز همه کشورهای عضو میباشد و تامین این نیاز بویژه از آن جهت از اهمیت بسزای برخوردار میتواند باشد که ایالات متحده امریکا به ارتباط منطقه و متذکره در وضعیت ستراتیژیک دفاعی این منطقه مهم با در نظر داشت اینکه چین در آینده ها بعنوان یگانه قدرت جهانی عرض اندام نکند به دور از نگرانی ز دوخورد در منطقه آسیا و اوقیانوس آرام تغییری را در ستراتیژی دفاعی خود در منطقه بوجود آورد بدین جهت قدرت های اروپایی پیمان ناتو از این اقدام بجا و بوخت ایالات متحده امریکا که به نمایندگی از اتحاد اروپایی خود کمر همت بیست و به تدوین همچو ستراتیژی نوین داخل اقدام شد تشکر و قدر دانی را بجا آورد. "3".

همانطوریکه پنتاگون اکثر عملیات ها و فعالیت های خود را عندالموقع گسترش میدهد جا بجا سازی (2500) سربازان ماهر ایالات متحده امریکا درین منطقه جدید بمراتب نشانی عمیق ازین امر است.

پنتاگون در اوگوست سال (2011) در گزارش سالانه اش به ارتباط وضع ارتش چین اینطور اظهار نمود: «کشور چین همین اکنون یک فاصله ای کلیدی تکنالوژیکی بسته ای دارد» و از جانبی معاون وزیر دفاع ایالات متحده امریکا مسول امور دفاعی برای شرق آسیا آقای میخایل (Schiffer) طی یک صحبت خبری اش گفت: که صلح و دامنه ای سرمایه گذاری های چین به اعتقاد ما به آن کشور این مجال و فرصت را میدهد که به خاطر دامنه و فراهم آوری توانایی های نظامی اش توازن نظامی منطقه را بر هم زند بی ثباتی را در منطقه بجای رساند که خطر ابتلا به سو تفاهم و اشتبا را فزونی بخشد و در فرجام شاید که زمینه ای تنش های منطقی را مساعد سازد "4" .. او در اشاره به نوسازی و کاپی نمودن هواپیمای نوع Sukhoi su- 35 fighter شوروی و توسعه صنعت چین به ارتباط ساخت هواپیمای جنگی نوع (J20) چینی از قابلیت های جدید روز افزون آن کشور

نگرانی اش را اظهار و در پاسخ این قابلیت های چین تشدید فعالیت های ایالات متحده امریکا را مطالبه نمود. آقای شفر همچنان در اشاره به فعالیتهای فضایی و کمپیوتری چین افزود و گفت: چین امروزی به سرعت چشمگیر در حال توسعه و انکشاف برنامه های کثیرالوجه و چند جانبه اش و آنهم بمنظور ارتقای توانایی هایش در جهت محدود و جلوگیری کردن دارایی های فضای اش که مبادا در زمان بحران و جنگ به دست دشمنان و رقبایش در نیفتد میباشد. "5"

### **قسمت دوم: نبرد هوایی و دریایی پنتاگون:** جزئیات ستراتیژی نبرد ایالات

متحده امریکا در جنگ های آینده مبنی بر شکست چین طور مشرح فلتز و در مطبوعات ایالات متحده امریکا در تحت نام « همه نبرد دریایی » انعکاس و انتشار یافته است یعنی در تحت همین نام یورش و تهاجم هم آهنگ تمام جزو تاهای نظامی ایالات متحده امریکا اعم از تهاجم نیروهای هوایی با پرتاب بمب، زیر دریایی و با وارد نمودن ضربت فلج کننده بر سیستم نظارت رادارها از فاصله های دور و سیستم موشکی چین در یک زمان و آنهم بشکل سریعاً تهاجمی طرح و تدوین گردیده است. "6". با در نظر داشت پلان ستراتیژیک قبلاً طرح شده همین اکنون پنتاگون بیدون سروصدا به استقرار و جابجاسازی نیروهای دریایی و حضور نیروهای هوایی خود در ژاپن، تایوان، فلیپین، ویتنام و در سراسر جنوب دریایی چین و اوقیانوس هند اقدامات لازم و ضروری را یکی پی دیگر انجام داده است و از سوی دیگر ارتش و استقرار نیروهای دریایی استرالیا زمینه استقرار نظامیان و نیروهای ایالات متحده امریکا را در رسیدن به نقاط ستراتیژیک چین و به بخش جنوب دریای چین و به اوقیانوس هند همه جانبه مساعد ساخته است و این مساعدت نیروهای ارتش دریایی استرالیا باعث انگیزه حامیوی گشت و گذر آزادانه ای ناوگان امریکا در تنگنای مالاکا و جنوب دریای چین گردیده که در واقعیت امر وضع مساعد را بدسترس نیروهای ایالات متحده امریکا قرار داده است که این نیروها میتوانند به قطع مسیرهای ستراتیژیک نفت چین بپردازند و یا حتی میتوان گفت که زمینه کامل تهاجم و تعارض را علیه آن کشور فراهم سازند.

منظور از جنگ هوایی و دریایی امریکا علیه چین در آن است که امریکا بتواند در قدم اول در مقابل تهاجم چین مقاومت نماید و بعداً به ضد حمله ای چینیایی ها بپردازد و سیستم مغلق رادار و موشک های چین را بکمک نیروهای دریای خود از کشتی های بدور نگذاشته شده اش از خط ساحلی چین خورد و خمیر نماید. "7"

### **جنگ دریایی و هوایی ایالات متحده امریکا علیه چین:** ایالات متحده امریکا

بر علاوه جا بجا سازی تفنگداران اش در شمال استرالیا، در نظر دارد که پروازهای دور برد هواپیماهای بیدون سر نشین خود را بمنظور نظارت نیروهای نظامی امریکا از جزایر کوکوس از فاصله های دور واقع در قلمرو استرالیا بکار اندازد و اوقیانوس هند

را که از نقطه نظر ستراتیژیک اهمیت حیاتی دارد تحت کنترل خود داشته باشد. همچنان ایالات متحده امریکا میخواهد که میدان های هوایی استرلیا را برای پروازهای هواپیماهای جنگی نظامی خود بکارگیرد و به تشدید گشت و گذر کشتی ها و تحت البحری های خود با استفاده از پایگاه نیروی دریایی بیرون از شهر «پرت» واقع در سواحل غرب استرلیا بپردازد. "8".

قابل تذکر است و آن اینکه مهندسی ستراتیژیک پنتاگون ضد چینی را در جنگ های هوایی دریایی مارشال اندریو دیزاین و طرح نموده است مردیکه در انکشاف و پیشرفت و شکل گیری ستراتیژی جنگ های پنتاگون برای مدت (40) سال نقش افرینی کرده این جنرال که در سال (1980) رتبه مارشالی داشت دیگ چینی و رامسفلد دانش آموزانی بودند "9" مارشال اندریو (Marshall Andrew) به ترویج یک ایده که برای بار اول در سال (1982) توسط مارشال نیکولای اگارکوب (Marshall Agarkov) بعداً ریس ستاد ارتش اتحاد جماهیر شوروی تحت نام انقلاب در امور نظامی ( Revolution in Military Affair) ابداع گردیده بود استفاده نمود و در انکشاف ستراتیژی جنگ های پنتاگون از آن کار گرفت و نقش افرینی نمود این مارشال متجرب امریکایی که امروز به سن (91) سالگی اش رسیده تا هنوز میزکارش در پنتاگون جا بجا و از نفوذ و صلاحیت عام و تام برخوردار است.

با در نظر داشت تذکرات فوق آنچه که مارشال اندریو از انقلاب در امور نظامی تعریف بعمل آورده است یکی از بهترین تعریف ها میباشد: (انقلاب در امور نظامی عبارت از یک تغییر عمده و چرخشی در ماهیت جنگ و در مورد کاربرد خلاقانه ای از تکنالوژی جدید یک توام با تغییرات اساسی و بنیادی در دکترین نظامی و مفهوم عملیات و سازماندهی باشد میباشد.) یعنی که با مراعات تذکرات فوق زمینه را برای تغییر اساسی در کرکتر و نوع عملیات های نظامی میسر سازد "9".

این مارشال اندریو بود که وزیر دفاع ایالات متحده امریکا آقای رامسفلد و جانشین او آقای رابرت گیت را متقاعد ساخت که موشک های بالیستیکی را بمنظور دفاع و تامین منافع ملی ایالات متحده امریکادر لهستان، جمهوری چک، ترکیه و ژاپن بخاطر در نظر داشت ستراتیژی به حد اقل رساندن تهدید هسته ای بالقوه از سوی روسیه جابجا سازند و از تعرض و تهدید چین لازم پنداشته میشود که موشک های بالیستیکی را باید در ژاپن مستقر ساخت.

**قسمت سوم: نخ مرواریدی ستراتیژی پنتاگون:** مارشال اندریو در ماه جنوری سال (2005) یک گزارش طبقه بندی شده و داخلی را به وزیر دفاع آقای رامسفلد در تحت عنوان «آینده ای انرژی در آسیا» پیشکش نمود که بعداً گزارش به بیرون در زکرمحتوی و متن کامل این گزارش درواشنگتن پُست به نشر رسید که در متن این گزارش چنین تذکر

بعمل آمده بود : « اختراع اصطلاح ستراتیژیک «رشته ای از مروارید» چنین توضیح شده بود ( تهدید در حال گسترش چین در قلمرو ویا قاره ای آسیا تهدید علیه منافع ستراتیژیک ایالات متحده امریکا میباشد ). "11".

از سوی دیگر در گذارش داخلی پنتاگون چنین ادعا شده که چین در حال ایجاد روابط استراتژییک از طریق امتداد خطوط دریایی از شرق میانه تا جنوب دریایی چین میباشد و این خود نشاندهنده ای موقعیت دفاعی و تهاجمی چین برای حفاظت از منافع انرژی اش پنداشته میشود و از جانبی این خطوط در عین زمان برای نیل به اهداف امنیتی اش نیز میتواند باشد.

گذارش مارشال اندریو زیر نام ستراتیژی « رشته ای مروارید » بار نخست در پنتاگون مورد استفاده قرار گرفت و چنین پنداشته شد که این یک اصطلاح امریکایی است نه یک اصطلاح چینیایی .

در گذارش آمده که چین همین اکنون در راه انطباق ستراتیژی اش زیر نام « رشته ای مروارید » و تامین ویا تحکیم روابط دیپلماتیک اش به امتداد از شرق میانه تا بخش جنوبی چین میباشد که شامل ساخت یک پایگاه جدید دریایی واقع در بندر گوادربلوچستان پاکستان بوده و در این گذارش همچنان آمده است که « پیکن » در راه ساخت ویا راه اندازی یک گلدان استراق سمع الکترونیکی در گوشه جنوب غرب این کشور در جوار و نزدیک خلیج فارس میباشد طوری که این پوسته گشت و گذر تمام کشتی ها را در تنگنای هرمز و دریای عرب تحت نظارت و کنترل خود قرار میدهد "12".

گذارش داخلی طبقه بندی شده ای مارشال اندریو در امتداد خط از شرق میانه تا جنوب چین از طرف « رشته ای مروارید های » ستراتیژیک دیگر به گرمی مورد توجه قرار گرفت . که این امتداد خطی را میتوان ذیلاً توضیح نمود :

**۱- با بنگله دیش :** چین بشکل پیگیر روابط و مناسبات خود را با دولت بنگله دیش توسعه و گسترش میدهد و این روابط را با اعمار یک بندر کانتینری در چیتیکا نگ هر چه مستحکمتر ساخته ، و از جانب دیگر چینیایی ها همه جانبه در تلاش اند تا در بنگله دیش به اهداف تجاری و گسترش نیروی دریایی خویش نیل آیند .

**2- با برمه :** چین در صدد توسعه مناسبات نزدیک خود با رژیم نظامی برمه در رنگون میباشد و با در نظر داشت بهتر شدن روابط اش راهی را توسط یک ماهواره در تنگنای مالاکا کشوده است که از طریق این تنگنا (80) فیصد نفت وارداتی چین عبور میکند و از جانب دیگر چین همین اکنون در حال ساخت قرارگاه ویا پادگان دریایی در برمه و تاسیسات جمع اوری اطلاعات الکترونیکی در جزایر واقع در خلیج بنگال و در نزدیکی تنگنای مالاکا میباشد . چین همچنان عملاً در یک اتحاد نظامی به میلیارد ها دالر رژیم نظامی ویا اردوی برمه را کمک مینماید .

۳- **با کمبودیا** : چین در ماه نومبر سال «2003» با کمبودیا توافقنامه نظامی بیست که بتاسی از این توافقنامه کشور چین متعهد گردید تا نظامیان آن کشور را ترینگ نماید و مهمات ضروری نظامی را در اختیار آنها قرار دهد یعنی آنها را درین بخش مجهز سازد و هم تعهد سپرد که به احداث خط ریل از جنوب چین تا دریا مبادرت ورزد

4- **دریای جنوب چین** : فعالیت‌های چینایی ها مبنی بر ادعای ارضی در منطقه نسبت به حفاظت ویا انکار حمل و نقل تانکرها از راه جنوب دریا چین کمتر میباشد گزارش حاکی از آنست که چین میخواهد در منطقه مورد نظر تاسیسات نظامی اش را رونق دهد و نیروهای نظامی خود را در منطقه مستقر سازد تا توانسته باشد از سرزمین اصلی تا جزایر هاینان پروژه نیروی دریایی و هوایی خود را تقویه نماید چین همچنان در این اواخر دست به اعمار یک فرودگاه نظامی در جزیره چوبی زده است و میخواهد حضور خود را از طریق سیستم عامل های حفاری ویا تفحصات نفت در اوقیانوس ها افزایش دهد .

5- **با تایلند** : چین در نظر دارد تا به صرف (20) میلیارد دالر به احداث کانال در سراسر تنگه ناحیه جنوبی بپردازد تا ازین طریق کشتی ها در تنگنای مالاکا دورزند ، و با ساخت واحداث این کانال بتواند تسهیلات بندری را در آن تنگنا فراهم آورد ، در گزارش آمده است که یک فرمانده نظامی ایالات متحده امریکا مستقر در جنوب آن منطقه طی سال (1990) یک گزارش طبقبندی شده و مشابه گزارش مارشال اندریو را به مقامات ذیصلاح نظامی ایالات متحده امریکا تقدیم نموده و آن مقامات را از تلاش و تجسس چینایی ها مبنی بر پیاده کردن تسهیلات تجارتي در بندر مذکور بمنظور کنترول از دادوستد به سطح جهانی اطلاع داده و یادمانی نموده بود که چینایی ها توان آنرا در خواهند یافت که با داشتن همچو بندر نقاط مهم ستراتیژیک تجاری را وقتاً فوقتاً کنترول ویا مسدود سازند . "13" .

**قطع نخ مرواریدی**: اهمیت عملکرد پنتاگون و دولت ایالات متحده امریکا با در نظر داشت گزارش هدمند ارایه شده و سال (2005) در آن است که ایالات متحده امریکا در تقابل تلاش های چینایی ها مبنی بر دفاع و تامین امنیت انرژی شان از طریق این «رشته ویا نخ مرواریدی» با مداخله دو مرحلوی ایالات متحده امریکا در برمه و میا نما طی سال (2007) مواجهه به موانع گردید.

**مرحله نخست**: مرحله و به اصطلاح انقلاب زعفران بود و منظور ازین دیگرگونی ایجاد بی ثباتی توسط وزارت امور خارجه امریکا به حمایت سازمان اطلاعاتی سیاه (CIA) امریکا طی سال «2007» بود که به انجام رسید و در کانون توجه بین المللی اعمال دیکتا تور منشا نه ای میانمار (Myanmar) بشکل درست آن انعکاس داده شد ، منظور وهدف امریکا از این بی ثباتی در آن بود تا چین را به حیث یک کشور ستراتیژیک منطقه از تمام روابط اقتصادی در سطح بین المللی از دیگر کشورها تجرید نماید، پس ایالات



متحدہ امریکا بیدون ہر گونه تانی زمینہ را برای اقدامات قبلاً طرح شدہ اش مساعد ساخت و جلو اعمار و ساخت و ساز خط لولہ نفت و گاز چین را از کونمنگ (Kunming) چین در جنوب غرب ایالت یانان (Yannan) تا سراسر جادہ قدیمی برمه (Burma) در میا مارو تا خلیج بنگال در ہند و بنگلہ دیش در شمال اوقیانوس ہند گرفت.

از سوی دیگر وادار ساختن جبری رہبران نظامی برمه رادروابستگی های تنگا تنگ بہ چین میتوان عامل تحریک کننده و مصممانہ دانست کہ نظا میان میانمار را وادار بہ تصمیم نمود تا از لحاظ اقتصادی دروازہ های کشور شان را برخ جہان غرب باز نمایند ، آنها اعلام کردند کہ افزایش نرخ بہرہ ناشی از تحریم های اقتصادی ایالات متحدہ امریکا اسیب بزرگ اقتصادی بہ کشور شان رسانیدہ است روی این دلیل ریس جمہور برمه آقای تاین ساین (Thein Sein) بہ آزادی اونگ سن سوچی (Aung San Suu Kyi) مخالف اش از حصر خانگی و تحت حمایہ ایالات متحدہ امریکا توافق می نماید و اورا با حزب مربوطہ اش اجازہ میدہد کہ غرض نامزادی اش در انتخابات بہ دفتر انتخابات مراجعہ نماید و در آزای آن وعدہ های وزیر امور خارجہ ایالات متحدہ امریکا ہیلاری کلنتون را مبنی بر سرمایہ گذاری های آن کشور جلب و امکانات کاهش و یا رفع تحریم های اقتصادی ایالات متحدہ امریکا را از آن خود سازد . "14".

شرکت های بزرگ ایالات متحدہ امریکا با دستگیری و حمایت واشنگتن در برما (Burma) بمنظور دادوستد تجارتی نزدیک میشوند و این شرکت ها در قدم اول یک نوع ریفورم کاملاً تخریب کننده ء تحت نام «بازار آزاد» رابغرض بی ثباتی اقتصادی کشور برمه پیشکش می نمایند و آن اینطور کہ ایالات متحدہ امریکا مانع سرمایہ گذاری سرمایہ داران منسوب بہ نیروهای نظامی میانمار و منسوبین وزارت دفاع برمه میگردد ، این شرکت های معتبر امریکایی با حمایت واشنگتن جلو فعالیت تمام انہای را کہ مانع روند تطبیق این ریفورم پیشنهاد شدہ شرکت های امریکا میباشدند و برای متفرق ساختن آنها بہ تضادہای قومی و اتنیکیتی بین آنها دامن میزند وعدہ ای را مخالف حقوق بشر معرفی می نماید و در فرجام مانع تجارت عدہ ای از شرکتهای برمه با کوریای شمالی میگردد. ایالات متحدہ امریکا در کشور برمه قبل از ہمہ تلاش نمود تا جلو داوستد تجاران و یا افرادی را کہ با کشورہای معین و خاص مصروف فعالیتہای تجاری بودند سد نماید و یا آنعدہ از تجاران و افرادی را کہ مانع پرداخت مبالغی از طرف واشنگتن بہ گروپ مخرب روند اصلاحات بازار آزاد پیشکش شدہ واشنگتن می شدند مجزات کردند یعنی اینان کہ جلو ریفورم واشنگتن را میگیرند سزاوار ضربه و چماق خوردن کلاسیک « مجازاتی برای طرف مقابل است در صورت عدم انجام خواست های مطرح شدہ از. ویک پیدیا » باید باشند و یا آنها باید شدیداً مجازات شوند کہ در برابر تصاحب شدن دارایی های برما توسط شرکتهای امریکایی از خود مقاومت نشان میدہند و یا

ثروت های بی حد و اندازه برما را از تصرف شرکت های ایالات متحده امریکا مانع میگردند. باید اذعان کرد که از نظر امریکایی ها نفت و گاز برما اقلام حیاتی برای چین بشمار می آید و بادر نظر داشت همین دلیل هرچه وسیعتر باید نفت و گاز برما در انحصار شرکت های ایالات متحده امریکا درآید یعنی این شرکت های امریکای باید باشند که به ارنباط نفت و گاز برما سرمایه گذاری نمایند و مانع سرمایه گذاری چین در مورد گردند "15".

همچنان او باما به ایجاد قدرت جدید برای دولت دست زد که به تاسی از آن هرآن فرد و یا افرادی که در راه « انسداد تحریم های وضع شده » اعمال نفوذ نماید و یا در میانمار (Myanmar) روند صلح را تهدید نماید با او باید برخورد قانونی صورت گیرد و کسانیکه بخواهند در کشور به هزینه ای بالغ به (500000) دالر در کدام بخش سرمایه گذاری نمایند آنها باید تمام پلان سرمایه گذاری شان را با تمام جزئیات آن شامل دستمزد کارگران ، قیمت زمین و پرداخت تا مبلغ (10000) دالر که به نهادها و بشمول که به دولت در میانمار میپردازند در یک فایل داخل گزارش سالانه نموده به وزارت امور خارجه بسپارند. از جانب دگر به شرکتهای امریکایی و تمام مردم اجازه داده میشود که در بخش شرکت متعلق به نفت و گاز در میانمار سرمایه گذاری نماید و از موضوع در مدت «60» روز به وزارت امور خارجه اطلاع دهند .

قابل تذکر است و آن اینکه نهاد حقوق بشر و سازمانهای غیردولتی ایالات متحده امریکا و اکثر دیگر نهادها و انجمن های که از نظر طرح های جغرافیایی سیاسی (Geopolitical) با وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا هم منظر و هم عقیده اند شامل اتاق های آزادی ، بنیاد جامعه باز ، دیده بان حقوق بشر ، موسسه آ برای آزادی آسیا ، انجمن دوکتوران برای حقوق بشر ، کمپاین امریکا برای برما ، اتحادیه برای پایان دادن نسل کشی را اکنون دست باز میدهد و یا برای آنها اجازه داده میشود که در میانمار بکار و فعالیت های لازمه شان به مجوز وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا هیلری کلنتون بپردازند. اپریل «2012». "16".

تایلند نیز یکی دیگری از رشته های کلیدی دفاعی ستراتیژی مروارید موضوع بی ثباتی شد و در طول چند سال گذشته بود ولی اکنون مناسبات ایالات متحده امریکا در تایلند با همیشره و بسراقتدار نخست وزیر سابق فاسد تایلند بشکل قابل ملاحظه بهبود یافته است. بعد از گذشت ماه ها درگیریهای خونین ، تاکسین شیناوارتا (Thaksin Shinawarta) نخست وزیر سابق تایلند تحت حمایت ایالات متحده امریکا موفق گردید تا با خرید آرا همشیره اش ینگلوک شیناوارتا (Yingluck Shinawarta) را به حیث نخست وزیر تایلند به کرسی نشاند و او را در راه حکومت داری از بیرون راهنمایی نماید ، و شخص آقای تاکسین تا تابستان (2012) یعنی تا تحریر این گزارش در وضع بهتر و دور از هرگونه

ناراحتی ها در ایالات متحده امریکا حیات بسر می برد .  
رابطه ایالات متحده امریکا با همشیره ء تاکسین (Thaksin) ینگ لوک شناوارتا (Yingluck Shinawarta) در جهت تاید وانطباق مستقیم به "محور ستراتیژیک « اوباما در تهدید علیه چین می چرخد ، درجون سال (2012) جنرال مارتین ای دمپسی (G,Martin E. Dempsey) ایالات متحده امریکا در همین ماه پس از بازگشت از سفر به تایلند ،فلپین و سنگاپور در یک صحبت خبری خود چنین اظهار داشت :ما میخواهیم خارج از همکاریها و حضور دورانی کنونی با کشورها به ساخت و اعمار آنچه توانایی های مشترکی دست یابیم که منافع همه کشور های همکار ما در آن نهفته باشد که این خود مهره دقیق کلیدی در توافق با پنتاگون آنچه که آنرا رشته ای مرواریدی می نامند میباشد .

پنتاگون همین اکنون در حال مذاکره برای بازگشت اش به پایگاه های رها شده اش پس از جنگ ویتنام بوده و در مذاکره با دولت تایلند میخواهد یک مرکز تحت نام " امدادسانی " در میدان هوایی نیروهای دریایی سلطنی تایلند در (90) میلی U.Tapasو جنوب بنکاک ایجاد نماید .

ارتش ایالات متحده امریکادر سال (۱۹۶۰) در هنگام جنگ ویتنام اقدام به ساخت بطول دومیل رن وی (Runway) بغرض بارگیری سوخت هواپیماهای اش نمود که در آسیا یکی از طولترین رن وی ها شمرده میشود .

پنتاگون همچنان بیشتر در تلاش تامین امنیت برای تدوام حفظ حق بازدید و رفت و آمد نیروهای دریایی و پروازهای نظارتی از خط سیر مشترک تجارتي خود در میدان های هوایی تایلند می باشد و ازجانبی این نیروهای دریایی ایالات متحده امریکا درصد ایجاد هرچه عاجلتر چهار پایگاه در سواحل سنگاپور برای کشتی های جنگی شان میباشد تا این کشتی ها از آنجا بتوانند بشکل دوره ای به تایلند و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا درگشت وگذر وگزمه زنی باشند، این نیروها همچنان به دنبال گزینه ای برای انجام ماموریت های مشترک هوا برد شان از تایلند نیز میباشد "17".

افزون بر آن معاون وزیر دفاع ایالات متحده امریکا آقای اشتون کارتر ( Ashton Cater) حین سفرش به تایلند در ماه جولای سال (2012) وقتی دولت تایلند وزیر دفاع ایالات متحده امریکا آقای لیون پانیتا (Leon Panetta) را به تایلند دعوت نمود او با وزیر دفاع تایلند در اتاق کنفرانس ها واقع در سنگاپور بازدید بعمل آورد و پیرامون موضوعات طرف علاقه هر دو گفتگوهای لازم صورت گرفت."18"

نیروهای دریایی ایالات متحده امریکا طبق برنامه های قبلی خویش میخواهند فرمانروای دریا نوردی جدید نوع (p-8A) و ضد تحت البحری هایش را در اوقیانوس آرام جا بجا سازد و در عوض شکارچی (P-3C) نیروی دریا نوردی خویش پایگاه

هوایماهای بیدون سرنشین را بغرض نظارت از ارتفاعات بلند درحوزه آسیا و اوقیانوس آرام مستقر سازد "19".

## قسمت چهارم: « نگاه سیاست دفاعی شرقی » هند و ایالات متحده

**امریکا:** وزیر دفاع آقای لیون پنیتا (Leon Panetta) طی ماه جون همین سال در هند بود، او اعلام نمود: همکاریهای مشترک دفاعی با هند رکن اصلی ستراتیژی وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در آسیا میباشد و برای توسعه قابلیت های نظامی هند و در تعامل با هند وعده هر نوع کمک های بهی خواهانه ای ایالات متحده امریکا را ارایه داشت و در ضمن اضافه نمود که ایالات متحده امریکا با هند مشترکاً در تولید مواد و مهمات نظامی و ارتقای تکنالوژی دفاعی با هم مشترکاً کار و فعالیت خواهند کرد، پنیتا پنجمین وزیر کابینه ای اوپاما میباشد که طی همین سال پنج بار به هند سفر نموده است و پیامی که طی سفرهایش به هند به ارمغان آورده است همانا توقع تامین روابط بهتر و عمده در قرن بیست و یکم بین هردو کشور میباشد و دلیل این روابط را میتوان ظهور نیرومند چین تلقی کرد "20".

واشنگتن چندین سال قبل در دوران زمامداری بوش تلاش بخرچ داد تا اگر بتواند هند را بعنوان متحد نظامی خود علیه حضور نیرومند چین در آسیا بسازد و آن اینکه اگر هند در واقع خواستار « نگاه سیاست شرقی » گردد که این خود در واقعیت امر با وجود تمام ادعا های ضد و نقیض از چشم دید چین بیش از یک سیاست نظامیگری چیزی دیگری نمیتواند باشد.

در ماه اوگوست سال (2012) معاون وزیر دفاع ایالات متحده امریکا آقای اشتون کارتر ضمن یک صحبت خبری چنین افاده کرد که هند بخشی مهمی از توازن ما در آسیا و اوقیانوس آرام میباشد، و به اعتقاد ما این هند میباشد که امنیت و رفاه هرچه گسترده تر را در قرن بیست و یکم تضمین خواهد کرد، با در نظر داشت همین دلیل گسترش روابط هند و ایالات متحده امریکا باید وسعت جهانی داشته باشد که البته همچو روابط گسترده تاثیرات سودمندی را بالای هندو امریکا طی قرن بیست و یک خواهد گذاشت. "21" ارتش ایالات متحده امریکا در این راستا تا هنوز بیش از «50» بار فعالیت های نظامی قابل توجه را تا حال با هند انجام داده است.

کارتر بدنبال سفر خود به دهلی در مورد روابط هند و ایالات متحده امریکا چنین می افزاید: " علایق امنیتی هردوی ما باعث پوشش امنیت دریایی ما در حوزه اوقیانوس هند خواهد گردید و هندوستان در انکشاف اقتصادی و ترینگ نیروهای امنیتی افغانستان نقش مهمی را بازی خواهد کرد آنچنانیکه در آن منافع بلند مدت ما به اشتراک هم تامین خواهد شد، من به درخواست آقای پنیتا در راس یک هیئت بلند بالای کارشناسان تخنیکی و سیاسی به هند سفر نمودم "22".

**اوقیانوس هند:** «رشته ای از مروارید» ستراتیژیک پنتاگون در برابر چین از نظر موثریت و کارایی، مروارید زیبا و قشنگ نیست، اما بعنوان طناب دار جلاد در محیط و هاله ای چین میتواند تلقی گردد، و آن بدین مفهوم که مانع دسترسی چین به مواد اولیه حیاتی بویژه بیشتر به نفت در خلیج فارس و آفریقا میگردد.

مشاور اسبق پنتاگون آقای رابرت دی کاپلین (Robert D Kaplan) اکنون در شهر ستراتفور چنین خاطر نشان می سازد: **اوقیانوس هند میتواند به حیث یک مرکز ثقل و نیرومند ستراتیژیک در منطقه پذیرفته شود و هر آن کس و یا هر آن نیروی که کنترل این مرکز را داشته باشد او در آنصورت کنترل آسیا و از جمله چین را نیز در دست خواهد داشت چونکه اوقیانوس هند مساعدترین و حیاتی ترین راهی آبی برای کسب انرژی و تجارت بین شرق میانه و چین و کشورهای شرق دور بوده میتواند که از همین جهت دارای اهمیت بسزای ستراتیژیک میباشد یعنی که اوقیانوس هند بمثابة محور جنوب در انکشاف اقتصاد کشورهای جنوب بین چین و آفریقا و امریکای لاتین نقش تعیین کننده را میتواند بازی نماید.**

تجارت بین چین و آفریقا از سال (1997) تا حال بیست برابر افزایش یافته و تجارت با کشورهای امریکای لاتین از جمله با برزیل چهارده مرتبه تنها در مدت یک سال بلند رفته است این افزایش دینامیکی تجارت اگر به همین نحوه و شکل اش دوام نماید در طول مدت زمان کمتر از یک دهه اندازه فعالیت های اقتصادی اتحادیه اروپا و اقتصاد صنعتی را در امریکایی شمالی نیز تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

قوس کشاده روی ویا گسترش سفر و مسافرت اسلامیست ها که از سومالی تا اندونزی در حال امتداد است شاید عنقریب با عبور از مسیر کشورهای واقع در خلیج فارس و آسیای مرکزی به مناطق اطراف اوقیانوس هند برسد پس با در نظر داشت همین دلیل و برهه میتوان اوقیانوس هند را در سطح جهان به صفت یک مرکز جدید ستراتیژیک شناخت".23

در خورتوجه اینست که بلوک اقتصادی رقیب، هژمونی امریکا را اجازه خواهد داد ویا آن را به چالش و مسابقه نخواهد خواست. مشاور جغرافیای سیاسی سابق اوباما آقای زیگنیو برژنسکی دانش آموز جغرافیایی سیاسی مکیندر (Mackinder) و هنوز هم همراه با هنری کیسنجر یکی از تاثیر گذارترین فرد در ایجاد قدرت ایالات متحده امریکا خلاصه موقیعت از واشنگتن رادر کتاب تدوین شده ای سال (1997) خود تحت عنوان تخته شطرنج بزرگ: تقدم ایالات متحده امریکا را ضرورت های ژئوپولیتیک پنداشته است.

در این کتاب تدوین شده این امر توضیح شده که ظهور هیچ رقیب در اورآسیا قادر به تسلط در اورآسیا نخواهد شد و در نتیجه همچنان ایالات متحده امریکارا به چالش نخواهد کشاند لذا با این دلیل ضرورت جغرافیایی - ستراتیژیک اورآسیا بطور کل ویک پارچه از هدف این کتاب تدوین شده میباشد".24

برای ایالات متحده آمریکا جایزه عمده وسترگ تسلط بر جغرافیای سیاسی اورآسیا است ... اولویت و تفوق ایالات متحده آمریکا در سطح جهان بطور مستقیم وابسته به این امر است که ایالات متحده آمریکا برای چه مدتی و به چه شکلی میتواند در اورآسیا اعمال نفوذ نماید و یا به تداوم تسلط پایدارش استوار باقی بماند "25".

مطلب قابل توجه اینست ، که ایالات متحده آمریکا چگونه و چسان خواهد توانست اورآسیا حیاتی و سرشار از منابع طبعی را «مدیریت» نماید اورآسیایی که بزرگترین قارهء جهان میباشد و یا در واقعیت امر محور جغرافیایی سیاسی قدرت جهان میتواند تلقی شود یعنی قدرتی که دو حوزه ای از سه منطقه از پیشرفته ترین منطقه اقتصاد مولد جهان را در تحت سلطه و کنترل خود دارد در روی نقشه جهان نیز بملاحظه میرسد که کنترل بر قاره بزرگ اورآسیا تقریباً طور خودکار و اتوماتیک تبعیت قاره افریقا و تسلیمی نیم کره غربی و اوقیانوسه جغرافیای سیاسی محیطی قاره مرکزی جهان را نیز بخود جلب می نماید. و آن اینکه تقریباً (75) فیصد از مردم جهان در اورآسیا زنده گی میکنند که در زیر خاک قاره ای شان ثروت های عظیم فزینی قرار دارد . و طبق محاسباتی که صورت گرفته است چنین برآمده است که اورآسیا (60) درصد تولید ناخالص ملی (GNP) جهان و در حدود سه- چهارم منابع انرژی تمام جهان را در خود دارد.

اوقیانوس هند یا آنچه که بعضی از ماهران سیاسی آنرا بنام قوس کشورهای اسلامی می شناسند قوسی است که از شرق افریقا تا اندونیزیا و از آنجا از طریق کشورهای خلیج فارس تا آسیای مرکزی را تاجگذاری مینماید ، با ظهور چین و بعضی از قدرت های بسیار کوچکی آسیایی طی دوده گذشته یعنی از زمان ختم جنگ سرد هژمونی ایالات متحده آمریکا در اوقیانوس هند برای اولین بار بعد از آغاز جنگ سرد به سیر نزولی اش آغاز نمود و بخصوص در سالهای گذشته نفوذ بلند اقتصادی آمریکا در سطح جهان کاهش یافت و در عوض اقتصاد چین رونق خوب یافت و وسعت چشم گیری نمود ، بادر نظر داشت این تغییرات ایالات متحده آمریکا و اداره او بامار واداشت تا در تحت نام «محور اصلی جغرافیایی سیاسی» بغرض حضور در اوقیانوس هند به تجدید نظر بپردازد و اگر بتواند اوقیانوس هند و آب های جنوب چین را تحت نظارت خود قرار دهد.

بمنظور تحت نظارت قرار دادن چین ، ایالات متحده آمریکا به بازسازی پایگاه نظامی خود واقع در اوکینوا جاپان داخل اقدام گردید و از سوی دیگر به تعداد (35000) پرسونل نظامی خود را طی سال (2010) در جاپان جا بجا ساخت و در یک اقدام دیگر وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا به تعداد (5500) نفر غیرنظامان خود را در آنجا استخدام نمود ، توام به آن همچنان ناوگان هفتم ایالات متحده آمریکا در یوکوسوکا (Ukosuka) و سومین گردان تفنگداران دریایی خود را در اوکینوا و پیوسته به آن (130) بال هواییهای جنگی خود را در میدان های هوایی میزاوا (Misawa) و کیدانا (Kedana) مستقر

ساخت. که این همه اقدامات بفرض نیل به هدف قبلاً برنامه ریزی شده صورت میگیرد. دولت جاپان در سال (2012) به بهانه تهدید از جانب چین آغاز به طرح برنامه تسلیحاتی نمود، فرماندهان جاپانی از رهبران و مقامات دیپلماتیک شان تقاضا بعمل آوردند که به درخواست ایالات متحده آمریکا تن در دهند تا جنگنده های (F-22A) خود را که فروش آن در حال حاضر مطابق قانون در دسته داشته ایالات متحده آمریکا منع و غیرقانونی است بالای جاپان بفرود، از سوی دیگر کوریایی جنوبی و ایالات متحده آمریکا پیوسته در صدد تحکیم هرچه عمیقتر اتحاد ستراتژیک خود می باشند چنانچه همین اکنون بیش از (45000) سربازان ایالات متحده آمریکا در کوریایی جنوبی مستقر اند، کوریایی جنوبی و ایالات متحده آمریکا پیوسته ادعا می نمایند که کوریایی شمالی به نوسازی ارتش اش از هیچگونه تلاش مضایقه نمی نماید و این خود دولت کوریایی شمال و چین است که دست به فعالیت های تفتین آمیز و تحریک آمیز در منطقه میزنند "27".

ایالات متحده آمریکا بفرض تحکیم مواضع ستراتژیک خود در تحت پوشش جنگ آمریکا علیه تروریسم موافقت نامه های بزرگی نظامی را با دولت فلپین و اندونیزیا بسر رسانیده و در پی هرچه تحکیم مناسبات خود با دول مذکور میباشد.

به همه معلوم و روشن است که پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا در دیگو گارسیا (Diego Garcia) رکن اصلی و عمده کنترل ایالات متحده آمریکا از اوقیانوس هند میباشد، ایالات متحده آمریکا در سال (1971) ساکنان شهر دیگو گارسیا را مجبور به ترک خانه های شان کرد و در منطقه فارغ از جمعیت (دیگو گارسیا) به نصب تجهیزات مدرن نظامی اش دست اندر کار شد و این پایگاه نظامی را از هر نقطه نظر بخاطری که بتواند عراق و افغانستان را تحت نظارت خود داشته باشد هرچه مجهز و مکمل ساخت.

مطلب قابل تذکر دیگر که ایالات متحده آمریکا را بخود متوجه ساخته است همانا موقعیت جیو ستراتژیک چین است و آن اینکه چین دارای دوپاشنه ای اشیل میباشد، تنگنه ای هرمز که در دهانه ای خلیج فارس موقعیت دارد و دیگر تنگنه ای مالاکا که در نزدیکی های سنگاپور قرار دارد و قرار احصایه های در دست داشته در حدود 20 فیصد مواد نفتی چین از تنگنه ای هرمز و بیشتر از (80) فیصد نفت وارداتی چین از تنگنه ای مالاکا میگذرد علاوه بر این بنادر ویا تنگنا ها راه عمده ای حمل و نقل مواد تجارتي نیز میباشد که برای چین ارزش حیاتی دارد.

همچنان ایالات متحده آمریکا بمنظور آنکه بتواند جلو انکشاف و توسعه چین پرتوان را به حیث رقیب اقتصادی اش گرفته بتواند، روی این منظور و اشنگتن در سال (2010) به اصطلاح بهار عرب را به راه انداخت و خواست تا میلیونها شهروندان عادی و بیخبر عرب را در تونس، لیبی، مصر و جاهای دیگر برای آزادی و دموکراسی واقعی به خیزش

وطغیان دعوت نماید و این عرب های عادی و بیخبر را به اصطلاح لقمه گوشت دهن توپ بسازد و با استفاده از آنها بتواند ستراتیژی هرج و مرج و جنگ را در داخل کشورهای اسلامی از لیبی در شمال افریقا تا سوریه و ایران در شرق میانه دامن زند و از آتش افروخته شده اشاستفا ده های درخور توجه نماید. "28".

نقطه ای فوق العاده مهمی که در اینجا باید بالای آن مکث شود ستراتیژی ایالات متحده امریکا به ارتباط قوس « تاق » کشورهای اسلامی با کشاده ایستادن و یا سرمایه گذاری ستراتیژیک آنها در اوقیانوس هند است این موضوع را محمد حسن تحلیلگر ستراتیژی و یا ستراتیژیست ذیلاً به تفسیر و تحلیل میگیرد :

ایالات متحده امریکا بمنظور دسترسی بر منابع که چین نتواند بر آن منابع دسترسی کسب نماید در جدوجهد میباید و به همین دلیل خواست تا در عراق و افغانستان آتش جنگ را شعله ورسازد یعنی هدف مهم امریکا شعله ورساختن جنگ و تخریب این دوکشور بود که آنهم ثمری نداد و ایالات متحده امریکا در این بازی شکست خورد، بعداً ایالات متحده امریکا خواست تا در این دوکشور حکومتی را روی کار آورد که سرپا مطیع ایالات متحده امریکا باشد که در این بازی هم مواجهه به شکست شد و آنچه را که توقع داشت بر آورده نشد ، جان مطلب در اینجا است و آن اینکه تخم و شکر هنوز در داخل کیک موجود است و آن اینکه تجارت و دادوستد عراقی ها و افغانها دارد که جدیداً با چین روبرو گردد بنا به این دلیل چین ابداً نمی خواهد که با صرف میلیونها دالر بخاطر بدست آوردن طلای عراقی در یک جنگ غیرقانونی داخل گردد، بلکه چین و شرکتهای چینی در تلاش آن اند که با ساده گی و طبق قوانین قبول شده تجارتي امتیاز خرید نفت عراق را بدست آورد بدون آنکه داخل جنگ و جدال گردد. قبل تذکر است و آن اینکه ستراتیژی ایالات متحده امریکا در تمام امتداد خط برنامه ریزی شده قبلی مواجهه به شکست است یعنی امریکا نتوانست به اهداف خود نایل آید پس یگانه گزینه ای که برای امریکا باقی مانده است همانا شعله ورساختن جنگ در یمن و سومالی و عراق و افغانستان میباشد تا این کشورها نتواند کمر راست نمایند و به تجارت و دادوستد ، تمویل و استخراج معادن و منابع در دست داشته شان و در تجارت با چین و کشورهای طبق دلخواه و طرف معامله خود قرار گیرند . "29"

**قسمت پنجم: دریای جنوب چین :** اتمام و بسررسانیدن «رشته ای مروارید»

طناب دار جلا د پنتاگون در سراسر چین بمنظور عدم دسترسی و یا قطع انرژی حیاتی و اقلام دیگر وارداتی به چین که توسط ایالات متحده امریکا در جنوب دریای چین دستکاری و متمرکز شده بود که حتی احتمال بروز جنگ در سال (2012) را ممکن ساخته بود وزارت منابع زمین شناسی و معدن جمهوری خلق چین در یک برآورد تخمینی خویش چینین خاطر نشان میسازد که دریای جنوب چین حاوی مقدار (18) میلیارد تن نفت خام ( در مقایسه با «13» میلیارد تن نفت خام ذخیره کویت) میباشد و در یک



یا دآوری دیگر خوشبینانه ترین تخمین زنی نشان میدهد که منابع ذخیره نفت (تا هنوز تثبیت نشده) اسپراتلی (spratly) و جزایر پاراسل (paracel) در جنوب دریای چین بالاترین رقم یعنی تا (105) میلیارد بشکه نفت را در خود ذخیره دارد و با این تخمینات میتوان گفت که مقادیر کلی نفت خام ذخیره در دریای جنوب چین به (203) میلیارد بشکه میرسد.

موجودیت همچو ذخایر وسیع و گسترده از نقطه نظر موضوع امنیت انرژی برای چین تعجب آور نخواهد بود، آنچنانیکه واشنگتن در چند سال گذشته با یک مداخله محاسباتی خویش به سبوتاز منافع چین پرداخت بویژه بین چین و ویتنام به ارتباط استخراج نفت دست به رخنه و به برهم زنی مناسبات دو کشور پرداخت، در جولای (2012) مجلس عوام ویتنام قانونی را مبنی به علامت گذاری و تمایز مرزهای دریایی اش بشمول تعیین مرزها در اسپراتلی و جزایر پاراسیل به تصویب رسانید، در اینجا لازم پنداشته میشود تا به ارتباط تامین مناسبات روابط مجدد ویتنام و ایالات متحده امریکا نیز کمی مکتب نمایم و آن اینکه نفوذ ایالات متحده امریکا بالای ویتنام از هنگامیکه ویتنام سیاست باز اقتصادی را بغرض توسعه و بهبود وضع اقتصادی خود برگزید عرض اندام نمود و یا به اصطلاح جای پا پیدا نمود.

در سال (2011) ارتش ایالات متحده امریکا در همکاری با ارتش ویتنام بغرض کسب تجارب و مهارت های نظامی به تمرینات صلح آمیز نظامی پرداختند، و از جانب دیگر ایالات متحده امریکابه ارتباط ادعای مرزی فلپین و ویتنام در جنوب دریای چین حمایت خود را از هر دو کشور یعنی فلپین و ویتنام اعلان نمود و از طریق دیپلوماتیک در پی تثبیت حق مرزی این دو کشور گردید "31".

در سال (2012) ایالات متحده امریکا و بریتانیا دو انحصارگر و تجار پیشه عمده نفت به ارتباط استخراج و تفحصات نفت دریای جنوب چین وارد میدان مناقصه شدند و از طرف شرکت های شیبرون (chevron) و بریتانیا پترولیم (BP) پیشنهاد گردید که شرکت پترولیم انادارکو (Anadarko) ایالات متحده امریکا را باید اجازه داد که در منطقه بغرض فراهم آوری کمک و تسهیلات حضور داشته باشد و این خود در واقعیت یک نوع پیشنهاد و یا حرکت خوبی بود که به واشنگتن بهانه داد تا در منطقه از «منافع ما در قبال نفت» حمایت بعمل آورد. "32".

در اپریل سال (2012) کشتی جنگی فلپین بنام «گریگوریو دل پیلر Gregorio del pilar» در یک بن بست با دو کشتی نظارتی چینی در آب های سرد اسکاریوروشوال (Scarborough Shoal) منطقه ای که هر دو کشور بر آن ادعای مالکیت مینمایند درگیر شد، ناوگان فلپین تلاش بحرچ داد تا ماهیگیران چینی را که از طرف تفنگداران دولتی چین حمایت و گارد میشد دستگیر نماید ولی قایق های نظارتی چین ماهیگران

را نجات داد، در چهاردهم اپریل سال (2012) ایالات متحده امریکا و فلیپین در منطقه ای پالائوان ( فلیپین به تمرینات مشترک سالانه خویش پرداختند، در هفت ماه می سال (2012) معاون وزیر امور خارجه چین آقای فیو ینگ (Fu Ying) الکس چو (Alex Chue) شازدافر فلیپین را بغرض یک ملاقات دیپلماتیک از سفارت فلیپین واقع در چین دعوت نمود، تا از برخورد جدی که بین اتباع دوطرف در منطقه ای اسکارپور سوال رخ داده بود به او گزارش و توضیحات مفصل بدهد.

از کوریایی جنوبی تا فلیپین و ویتنام پنتاگون و وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا پیوسته بخاطر حضور ایالات متحده امریکا در منطقه به تشدید خصومت و درگیریها چه بشکل عیان و یا پنهان دست میزند و بمثابه ای همچو یک مادر مهربان از منافع ویتنامی ها، فلیپینی ها و چپانی ها حمایت بیدریغ می نماید. و بادر نظر داشت همین تلاش ها پیگیر دارد که طناب دار جلادان نظامی ایالات متحده امریکا در منطقه تنگ و تنگتر گردد.

بهر صورت چین با وجود تمام محدودیت های وضع شده این توانای را بدیت آورد تا به منبع سرشار نفت و گاز متعارف دریایی دسترسی حاصل نماید و به این صورت اکنون ایالات متحده امریکا پیوسته در تلاش آنست تا چین را بهانه ای ادامه اکتشافات و تفحصات گاز شیل در داخل چین تطمیع نماید.

در اینجا هیچ دلایل مقنع مبنی به حسن نیت ایالات متحده امریکا به چین دیده نمیشود، ولی سلاحی بزرگی دیگری را که ایالات متحده امریکا علیه چین از نیام کشیده است همانا شکلی از جنگ محیطی میباشد.

---

Notes:

[1] President Barack Obama, Remarks By President Obama to the Australian Parliament, November 17, 2011, accessed in <http://www.whitehouse.gov/the-press-office/2011/11/17/remarks-president-obama-australian-parliament>.

[2] Ibid.

[3] Otto Kreisher, UK Defense Chief to NATO: Pull Your Weight in Europe While US Handles China, July 22, 2012, accessed in <http://defense.aol.com/2012/07/19/uk-defense-chief-to-nato-pull-your-weight-in-europe-while-us-ha/?icid=related4>.

[4] BBC, China military 'closing key gaps', says Pentagon, 25 August 2011, accessed in <http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-pacific-14661027>.

[5] Ibid.

[6] Greg Jaffe , US Model for a Future War Fans Tensions with China and inside Pentagon, Washington Post, August 2, 2012, accessed in <http://www.turkishweekly.net/news/139681/us-model-for-a-future-war-fans-tensions-with-china-and-inside-pentagon.html>.

[7] Ibid.

[8] Matt Siegel, As Part of Pact, U.S. Marines Arrive in Australia, in China's Strategic Backyard, The New York Times,

April 4, 2012, accessed in <http://www.nytimes.com/2012/04/05/world/asia/us-marines-arrive-darwin-australia.html>.

[9] Greg Jaffe, op. cit.

[10] F. William Engdahl, Full Spectrum Dominance: Totalitarian democracy in the New World Order, Wiesbaden, 2009, edition.engdahl, p. 190.

[11] The Washington Times, China Builds up Strategic Sea Lanes, January 17, 2005, accessed in <http://www.washingtontimes.com/news/2005/jan/17/20050117-115550-1929r/?page=all#pagebreak>

[12] Ibid.

[13] Ibid.

[14] Wall Street Journal, An Opening in Burma: The regime's tentative liberalization is worth testing for sincerity,

Wall Street Journal, November 22, 2011, accessed in <http://online.wsj.com/article/SB10001424052970204443404577049964259425018.html>

[15] Radio Free Asia, US to Invest in Burma's Oil, 7 November, 2011, accessed in <http://www.rfa.org/english/news/burma/sanctions-07112012185817.html>

[16] Shaun Tandon, US eases Myanmar restrictions for NGOs, AFP, April 17, 2012, accessed in <http://www.google.com/hostednews/afp/article/ALeqM5jmwmJ3e0yljyD-7N52GAFISnweAA?docId=CNG.a8c1c3e2edf92a30cc1b3c9bd5ed11c1.131>

[17] Craig Whitlock, U.S. eyes return to some Southeast Asia military bases, Washington Post, June 23, 2012, accessed in [http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-seeks-return-to-se-asian-bases/2012/06/22/gJQAKP83vV\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-seeks-return-to-se-asian-bases/2012/06/22/gJQAKP83vV_story.html)

[18] Ibid.

[19] Ibid.

[20] Premvir Das, Taking US-India defence links to the next level, June 18, 2012, accessed in <http://www.rediff.com/news/slide-show/slide-show-1-taking-us-india-defence-links-to-the-next-level/20120618.htm>

[21] Zeenews, US-India ties are global in scope: Pentagon, August 02, 2012, accessed in [http://zeenews.india.com/news/world/us-india-ties-are-global-in-scope-pentagon\\_791212.html](http://zeenews.india.com/news/world/us-india-ties-are-global-in-scope-pentagon_791212.html)

[22] Ibid.

[23] Gregoire Lalieu, Michael Collon, Is the Fate of the World Being Decided Today in the Indian Ocean?, November 3, 2010, accessed in <http://www.michelcollon.info/Is-the-fate-of-the-world-being.html?lang=fr>

[24] Zbigniew Brzezinski, The Grand Chessboard: American Primacy And It's Geostrategic Imperatives, 1997, Basic Books, p. xiv.

[25] Ibid., p. 30.

[26] Ibid., p. 31.

[27] Cas Group, Background on the South China Sea Crisis, accessed in [http://casgroup.fiu.edu/pages/docs/3907/1326143354\\_South\\_China\\_Sea\\_Guide.pdf](http://casgroup.fiu.edu/pages/docs/3907/1326143354_South_China_Sea_Guide.pdf)

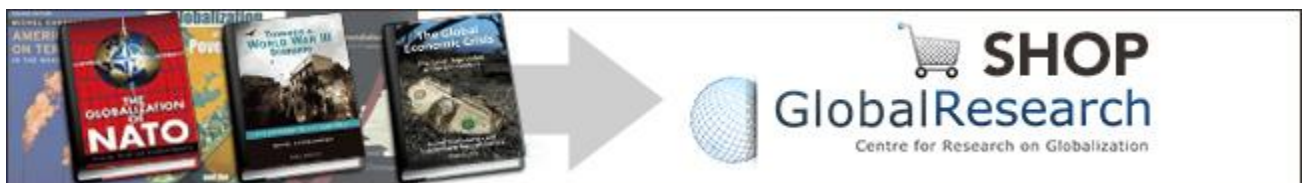
[28] Gregoire Lalieu,, et al, op. cit.

[29] Ibid.

[30] GlobalSecurity.org, South China Sea Oil and Natural Gas, accessed in <http://www.globalsecurity.org/military/world/war/spratly-oil.htm>

[31] Agence France Presse, US, Vietnam Start Military Relationship, August 1, 2011, accessed in <http://www.defensenews.com/article/20110801/DEFSECT03/108010307/U-S-Vietnam-Start-Military-Relationship>

[32] Zacks Equity Research, Oil Majors Eye South China Sea, June 24, 2010, accessed in [www.zacks.com/stock/news/36056/Oil+Majors+Eye+South...](http://www.zacks.com/stock/news/36056/Oil+Majors+Eye+South...)



Articles by: **F. William Engdahl**

796  
80  
56  
3451

